

جزوه کمک آموزشی نکات و خلاصه درس:

عربی

(درس پنجم)

مقطع تحصیلی:

دوره اول متوسطه

پایه:

هشتم

تهیه و تنظیم:

مرکز تحقیقات مهندسی ثمین

تمامی حقوق این اثر برای مرکز تحقیقات ثمین محفوظ می باشد.

الدرس الخامس: الصداقة

درس پنجم : دوستی

«أُسْرِين» طالبةٌ في الصفِّ الثَّانِي المُتَوَسِّطِ. هِيَ جَاءَتْ مِنْ «سَنَدَج» إِلَى «تَهْران».

«اسرین» دانش آموزی در کلاس دوم دبیرستان است. او از «سندج» به «تهران» آمد.

هِيَ طَالِبَةٌ جَدِيدَةٌ فِي الْمَدْرَسَةِ وَبَقِيَتْ أُسْبُوعَيْنِ وَحِيدَةً.

او دانش آموز جدیدی در مدرسه است و دو هفته تنها ماند.

فِي الْأُسْبُوعِ الثَّلَاثِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ جَاءَتْ إِلَيْهَا أَحَدَى زَمِيلَاتِهَا بِاسْمِ «آيَلار» وَبَدَأَتْ بِالْحِوَارِ مَعَهَا فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ.

در هفته سوم در روز شنبه یکی از هم شاگردی هایش به نام «آیلار» به سوی او آمد و با او در حیاط مدرسه شروع به گفتگو کرد.

الْحِوَارُ بَيْنَ الطَّالِبَتَيْنِ «آيَلار» وَ «أُسْرِين»

گفتگو میان دو دانش آموز «آیلار» و «اسرین»

– كَيْفَ حَالُكَ؟

– حالت چطور است؟

– الْحَمْدُ لِلَّهِ؛ جَيِّدَةٌ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟

– خدا را شکر خوبم تو چطوری؟

– أَنَا بِخَيْرٍ. مَا اسْمُكَ؟

– من خوبم. نام تو چیست؟

– اسْمِي أُسْرِين.

– نام من اسرین است.

– اسْمٌ جَمِيلٌ. مَا مَعْنَاهُ؟

– نامی زیباست، معنای آن چیست؟

- «أَسْرِين» بِالْكَرْدِيَّةِ بِمَعْنَى الدَّمْعِ. وَ مَا اسْمُكَ؟
- «اسرین» به کردی به معنی اشک است و نام تو چیست؟
- اسْمِ آیلار.
- نام من آیلار است.
- مَا مَعْنَى اسْمِكَ؟
- معنی نام تو چیست؟
- آیلار بِالْتُّرْكِيَّةِ بِمَعْنَى الْأَقْمَارِ.
- آیلار به ترکی به معنی ماه‌ها است.
- اسْمٌ جَمِيلٌ جِدًّا وَ مَعْنَاهُ جَمِيلٌ أَيْضًا.
- اسم بسیار زیبایی است و معنی آن نیز زیباست.
- مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟
- تو از چه شهری هستی؟
- أَنَا مِنْ سَنْدَجٍ. أ أَنْتِ مِنْ طِهْرَانِ؟
- من از سنندج هستم. آیا تو از تهران هستی؟
- لَا؛ أَنَا مِنْ تَبْرِيزِ وَ سَاكِنَةٌ هُنَا.
- نه؛ من اهل تبریز هستم و این‌جا ساکن هستم.
- فَأَنْتِ مِثْلِي أَيْضًا.
- پس تو هم مثل من هستی.
- لِمَاذَا جِئْتُمْ إِلَى طِهْرَانِ؟
- برای چه به تهران آمدید؟
- لِأَنَّ وَالِدِي فِي مُهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ.
- زیرا پدرم در مأموریت اداری است.

- كَمْ سَنَةً مُهِمَّةٌ وَالِدِكَ؟
- مأموریت پدرت چند سال است؟
- سَنَتَيْنِ
- دو سال.
- أَيْنَ بَيْتِكُمْ؟
- خانه ی شما کجاست؟
- فِي سَاحَةِ خُرَاسَانَ.
- در میدان خراسان.
- عَجَبًا. بَيْتُنَا فِي نَفْسِ الْمَكَانِ.
- عجیب است خانه ی ما در همان مکان است.
- أَ تَصَدِّقِينَ؟!
- آیا راست می گویی؟
- نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ؛ مَتَى جِئْتُمْ؟
- بله؛ البته؛ چه موقع آمدید؟
- جِئْنَا قَبْلَ شَهْرٍ.
- ماه قبل آمدیم.
- فَنَحْنُ جَارَتَانِ وَ زَمِيلَتَانِ.
- پس ما دو همسایه و دو هم شاگردی هستیم.
- فَكَيْفَ مَا رَأَيْتِكِ حَتَّى الْآنَ؟
- پس چطور تا به حال تو را ندیدم؟
- عَجِيبٌ. مَا مِهْنَةٌ أَيْبِكِ؟
- عجیب است. شغل پدرت چیست؟

- هُوَ مَهْنَدِسٌ.
- او مهندس است.
- هَلْ تَأْتِينَ إِلَيَّ بَيْتَنَا؟
- آیا به خانه‌ی ما می‌آیی؟
- بِكُلِّ سُرُورٍ.
- با کمال میل.
- مَتَى؟
- چه وقت؟
- بَعْدَمَا يَسْمَحُ لِي وَالِدِي وَتَقْبَلُ وَالِدَتِي.
- بعد از اینکه پدرم به من اجازه می‌دهد و مادرم قبول می‌کند.
- وَ هَلْ يَأْتِي أَبُوكَ؟ وَ هَلْ تَأْتِي أُمُّكَ؟
- و آیا پدرت می‌آید؟ و آیا مادرت می‌آید؟
- إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَأَسْأَلُهُمَا.
- ان شاء الله (اگر خدا بخواهد)، از آن دو خواهم پرسید.
- الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)
- غریب کسی است که دوستی ندارد. امام علی (علیه السلام)

مقواعد:

فن ترجمه:

حرف «ما»:

حرف «ما» دو کاربرد دارد:

۱. برای منفی کردن فعل ماضی.

مانند: کَتَبْنَا (نوشتیم) ← ما کَتَبْنَا (نوشتیم) / کَتَبْتُ (نوشتم) ← ما کَتَبْتُ (نوشتم)

«ما ظَلَمْنَاهُمْ وَ لَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» ؛ به آن‌ها ستم نکردیم ولی به خودشان ستم کردند.

۲. برای سؤال کردن و به معنای «چيست؟»

مانند: ما ذلِكَ الشَّيْءِ فِي يَدِكَ؟ ؛ آن چیز در دست چيست؟

ما هُوَ هَدْفُكَ؟ ؛ هدف تو چيست؟

مجمع آموزشی و پژوهشی زمین